



The Legislative Shortcomings of the International System in Support of Asylum Seekers Women

Maryam Karami¹, Samira Golkhandan^{*2}, Akbar Rajabi³

1. PhD Student of Department of Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 29-48

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-3926-7971

TELL: +988646337801

Email: s.golkhandan@gmail.com

Article history:

Received: 16 Jun 2024

Revised: 11 Sep 2024

Accepted: 01 Nov 2024

Published online: 21 Mar 2025

Keywords:

Refugee Women,
International Treaties,
Legislation, Refugee
Convention.

ABSTRACT

International laws that protect women refugees are not in good shape. Expectations from the normative scope of the law are often not met in the complex and difficult world of refugee women due to instrumental politics, power and conflict. The ambition within the framework of the international system is to guarantee a wide range of protections for all refugee women in the field of legislation. The purpose of this article is to investigate the legal deficiencies in the international system in supporting refugee women. According to the results of the research, there are currently two categories of treaties in the legislative field to protect refugee women. The first category is the international treaties, the most important of which is the Convention on the Protection of Refugees and these documents have not been able to establish a comprehensive system of protection for refugee women and even the status of asylum seeker has not been accepted as an independent status. The second category is some regional treaties, some of which provide more appropriate protection for refugee women. Protecting refugee women against crime, rape and violence requires that asylum seekers be accepted in a comprehensive treaty and that the principle of non-refoulement be applied absolutely to refugee women.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Karami, M; Golkhandan, S & Rajabi, A (2025). "The Legislative Shortcomings of the International System in Support of Asylum Seekers Women". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(1): 29-48.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

کاستی‌های تقنینی نظام بین‌الملل در حمایت از زنان پناهجو

مریم کرمی^۱، سمیرا گلخندان^{۲*}، اکبر رجبی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

چکیده

قوانین بین‌المللی که از پناهجویان زن حمایت می‌کنند، در وضعیت مناسبی قرار ندارند. انتظارات ناشی از گستره هنجاری قانون اغلب در دنیای پیچیده و دشوار زنان پناهجو به‌علت سیاست ابزاری، قدرت و درگیری برآورده نشده است. جاه‌طلبی در چهارچوب نظام بین‌المللی این است که در حوزه تقنین، تضمین گستره وسیعی از حمایت‌ها برای همه زنان پناهجو فراهم شود. هدف این مقاله بررسی کاستی‌های تقنینی در نظام بین‌الملل در حمایت از زنان پناهجو است. باتوجه به نتیجه پژوهش، در حال حاضر در حوزه تقنینی دو دسته از معاهدات در حمایت از زنان پناهجو وجود دارد: دسته اول معاهدات بین‌المللی هستند که مهم‌ترین آن‌ها نیز کنوانسیون حمایت از پناهندگان است و این اسناد نتوانسته‌اند یک نظام جامع حمایتی از زنان پناهجو ایجاد نمایند و حتی هنوز وضعیت پناهجویی به‌عنوان یک وضعیت مستقل مورد پذیرش قرار نگرفته است؛ دسته دوم برخی از معاهدات منطقه‌ای هستند که برخی از آن‌ها حمایت‌های مناسب‌تری را از زنان پناهجو به‌عمل می‌آورند. حمایت از زنان پناهجو در قبال جرم و تجاوز و خشونت مستلزم این است که در یک معاهده جامع، پناهجویی مورد پذیرش قرار گیرد و اصل عدم بازگشت به‌طور مطلق در مورد زنان پناهجو اعمال گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۹-۴۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۹۷۱-۳۹۲۶-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۸۶۴۶۳۳۷۸۰۱

ایمیل: s.golkhandan@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

زنان پناهجو، معاهدات بین‌المللی، تقنین، کنوانسیون پناهندگان.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

پناهجو^۱ در نظام حقوق پناهندگی به فردی اطلاق می‌شود که بنا به دلایلی در جستجوی وضعیت پناهندگی قرار دارد، اما هنوز به‌عنوان پناهنده شناخته نشده است. پناهجو یا «متقاضی حمایت بین‌المللی»^۲ شخصی است که از کشور خود فرار می‌کند و در انتظار پاسخی در مورد درخواست داده شده، برای حمایت بین‌المللی می‌باشد (Eurostat, 2016: 13). «پناهجو» یک نام عمومی برای کسانی است که به‌دنبال حمایت بین‌المللی هستند. وفق مقررات حقوق بین‌الملل، پناهجویان تا زمان مشخص شدن درخواست پناهندگی‌شان بر یک مبنای موقت، از پاره‌ای حقوق و امتیازات برخوردار می‌شوند (کیهانلو و هادی، ۱۳۹۹: ۱۷۶). پناهجویان کسانی هستند که به کشور دیگری گریخته‌اند و با ادعای وضع پناهندگی درخواست حمایت دولتی کرده‌اند و تنها به این دلیل در زمره پناهندگان نیستند که از سوی دولت‌های پذیرنده و بر طبق قانون داخلی آن‌ها به‌عنوان پناهنده پذیرفته نشده‌اند (D'Orsi, 2016: 31). پناهجویان با چشم‌داشت به حمایت‌های بین‌المللی از پناهندگان، از مرز بین‌المللی گذشته‌اند. آنان باید فرآیندهای حقوقی طولانی و پیچیده‌ای را برای اثبات وضعیت خود بگذرانند. در چهارچوب این مراحل، آنان بیشتر در اردوگاه‌هایی با امکانات بسیار اندک اسکان یافته و از جمعیت بومی جدا می‌شوند. در برخی موارد، مجاز به کارکردن نیستند و مورد بی‌مهری مردمان بومی قرار می‌گیرند. به‌طور کلی پناهجویی، مرحله‌ای از پناهندگی است و هر پناهنده‌ای در یک بازه زمانی که ممکن است کوتاه‌مدت یا طولانی‌مدت باشد، پناهجو بوده است و با پذیرش تقاضای وی از حالت پناهجویی به پناهندگی تبدیل شده است. در موارد متعددی شخص پناهجو در همان وضعیت باقی می‌ماند و نمی‌تواند پناهنده شود و در مواردی نیز دوره پناهجویی بسیار طولانی شده و ممکن است چندین سال نیز به طول بینجامد. وضعیت پناهجویی یک وضعیت بسیار متزلزل است که شخص از کمترین حمایت‌ها برخوردار است (Asylum Seeker Resource Centre, 2021: 17). میلیون‌ها نفر در سراسر جهان در نتیجه

درگیری‌های خشونت‌آمیز، آزار و اذیت، سوءاستفاده از حقوق بشر، بلایای طبیعی و اکوسیستم‌های رو به وخامت، پناهجویی اجباری را تجربه می‌کنند. چرخه‌های مکرر جابه‌جایی اغلب با تعامل پیچیده چندین علت زمینه‌ای توضیح داده می‌شوند. افراد آواره ممکن است برای خود و خانواده‌هایشان در داخل کشورشان (افراد آواره داخلی^۳) یا با عبور از مرزهای بین‌المللی پناه ببرند (Gregori, 2023: 12). از بین اشخاصی که واجد عنوان پناهجو می‌گردند، آن‌هایی را که از جنس مؤنث هستند و در هر سنی باشند، به‌عنوان پناهجوی زن شناخته می‌شوند. پناهجویان می‌توانند از هر جنسی و با هر شرایط سنی باشند، اما در بین پناهجویان، زنان و دختران از وضعیت‌های خاصی برخوردارند و به‌عبارتی دیگر آسیب‌پذیری بیشتری دارند (Whittaker, 2006: 36). زنان پناهجو به‌ویژه در مواردی که به‌صورت مستقل و جدای از خانواده در وضعیت پناهجویی قرار می‌گیرند، با مشکلات و معضلات بیشتری روبه‌رو هستند. در طول فرآیند پناهجویی، پناهجویان زن به‌طور نامتناسبی در معرض خطرات بیشتری نسبت به مردان قرار دارند و همچنان با چالش‌هایی جهت ادغام در جامعه میزبان مواجه هستند. زنان پناهجو اغلب در گفتمان رسانه‌ای و بحث‌های عمومی درباره پناهجویی غایب هستند. تصاویر پناهجویانی که دست‌به‌دست می‌شوند، داستان‌هایی که در مورد آن‌ها گزارش می‌شود، به این غیبت دامن بیشتری می‌زند. در تحلیل‌های آماری اغلب آن‌ها را کنار می‌گذارند تا بر روی پناهجوی مرد تمرکز کنند. هر گزارش در مورد پناهجویی به این واقعیت اشاره می‌کند که زنان نیمی از جمعیت پناهجویان را تشکیل می‌دهند، با این حال آن‌ها در بسیاری از موارد، به فراموشی سپرده شده‌اند (Cho et al, 2013: 785).

در بدترین حالت، حداقل نیمی از جمعیت پناهجویی را زنان تشکیل می‌دهند و باید به همین نسبت نیز مورد توجه قرار گیرند. زنان پناهجو همچنین به احتمال زیاد قربانی جرایم سازمان‌یافته مانند قاچاق انسان و خشونت جنسی هستند. زنان به‌دلیل وضعیت در معرض خطر بودن و وضعیت نامطمئن آن‌ها

³- Internally Displaced Persons

¹- Asylum Seeker

²- Applicant for International Protection

حمایت از زنان پناهجو اشاره شده؛ در قسمت چهارم به بررسی اسناد بین‌المللی جهانی در حمایت از زنان پناهجو و کاستی‌های آن پرداخته است؛ در قسمت پنجم به بررسی اسناد منطقه‌ای در حمایت از زنان پناهجو و کاستی‌های آن پرداخته است و در پایان نیز به نتیجه‌گیری از بحث ارائه شده است.

۱- مفاهیم

دو مفهوم نظام حقوق بین‌الملل و جرایم ارتكابی علیه زنان پناهجو باید مشخص و معلوم گردند.

۱-۱- مفهوم نظام حقوق بین‌الملل

حقوق بین‌الملل مجموعه قواعدی است که به‌طور کلی در رابطه بین دولت‌ها و بین ملت‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرند (Slomanson, 2011: 5). این یک چهارچوب برای انجام روابط بین‌المللی باثبات و سازمان‌یافته است. حقوق بین‌المللی مجموعه قوانین و مقررات تنظیم‌کننده روابط بین‌المللی بین اشخاص حقوق بین‌الملل است. درواقع مجموعه قواعد حقوقی مرتبط برای کشورها و دیگر افراد بین‌المللی در روابط متقابل آن‌ها الزام‌آور تلقی می‌شود. حقوق بین‌الملل اساساً بر معاهدات و عرف و همچنین اصول کلی حقوق شناخته شده توسط ملل متمدن پایه‌گذاری شده است (ضیایی بیگدلی، ۱۴۰۲: ۸۴). همبستگی مادی و معنوی کشورهای عضو جامعه بین‌المللی، سنگ زیربنای نظام بین‌المللی است و رشد و توسعه نظام حمایتی از زنان پناهجو مستلزم همکاری سازمان‌یافته آن‌ها در سطحی بالاتر و والاتر از منافع ملی است، به شرط آن‌که این همکاری براساس اصولی پی گیرد که ضامن منافع جمع و حاصل وجدان مشترک جامعه بشری باشد.

۱-۲- مفهوم و مصادیق جرایم علیه زنان پناهجو

منظور از جرایم علیه زنان پناهجو، کلیه جرایمی است که علیه زنان پناهجو توسط اشخاص مختلف رخ می‌دهد، اعم از این‌که ازجمله جرایمی باشد که صرفاً علیه زنان امکان ارتکاب دارد (نظیر مصادیقی از جرایم جنسی) یا جرایمی که علیه مردان و زنان به‌طور کلی قابل ارتکاب است. دنیای پناهجویان درواقع میدان جنگی برای بقا است که در آن، ممکن است از زن‌ها به

گزینه ویژه‌ای برای قاچاق انسان هستند. بنابراین زنان پناهجو آسیب‌پذیری دوگانه دارند (Chynoweth, 2008: 93).

تمرکز این پژوهش بر روی زنان پناهجو به‌طور کامل موجه است. زنان پناهجو همراه با فرار از کشور خود، تجارب هولناک را تجربه می‌کنند، ازجمله جدایی از همسر، فرزندان و سایر اعضای خانواده را می‌توان نام برد. بسیاری از آن‌ها شکنجه یا کشتن خانواده و دوستان خود را تجربه کرده‌اند یا شاهد آن بوده‌اند. تجاوز جنسی و سایر اشکال شکنجه جنسی علیه زنان پناهجو، در مواردی به سلاح‌هایی در جنگ‌های مدرن تبدیل شده‌اند و به میزان نگران‌کننده‌ای توسط کسانی که قصد نابودی و نسل‌کشی بخش بزرگی از بشریت را دارند، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. غالباً چنین رویدادهای وحشتناکی به‌نام «پاکسازی قومی»^۱ نسبت به زنان پناهجو، انجام می‌شود. بار سنگین و نامتناسبی که زنان پناهجو تحمل می‌کنند و چالش‌های منحصربه‌فردی که با آن‌ها روبه‌رو هستند، در سال‌های اخیر مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است. با این حال، درک جامعه جهانی از این موضوع جامع و کامل نیست و یک بخش از این کاستی‌ها در حوزه تقنین می‌باشد، البته مشخص است که تقنین در حوزه حقوق بین‌الملل دارای معنای خاصی می‌باشد، زیرا قانون به مفهوم مصوبه یک مرجع قانون‌گذاری در حقوق بین‌الملل وجود ندارد و منظور از تقنین تدوین و امضا و تصویب اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در موضوع حمایت از پناهجویان و زنان پناهجو می‌باشد، هرچند بعد از جنگ جهانی دوم، اقدامات مهمی در این حوزه صورت گرفته است، لیکن مجموعه قواعد معاهده‌ای موجود در حقوق بین‌المللی به‌نحوی نیست که بتواند از زنان پناهجو حمایت لازم را در قبال جرم و خشونت به‌عمل آورد و ضروری است تا این کاستی‌ها مورد بررسی قرار گیرد، بدین‌منظور این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته است و از پنج قسمت تشکیل شده است: در قسمت اول به بررسی مفاهیم پرداخته شده است؛ در قسمت دوم به سیر تاریخی تدوین مقررات در حقوق بین‌الملل در حمایت از پناهجویان پرداخته شده است؛ در قسمت سوم به تدابیر تقنینی نظام بین‌المللی در

^۱ - Ethnic Cleansing

جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت یا یکی از اعمال بنیادین نسل‌کشی باشد (اردبیلی، ۱۳۹۷: ۹۲).

۱-۲-۳- ارتکاب جرایم علیه تمامیت شخصیت جسمانی زنان

پناهجو

جرایم علیه تمامیت شخصیت جسمانی زنان پناهجو شامل هرگونه فعل یا ترک فعل یا تسبیب است که موجب وارد آمدن خسارت جانی و بدنی بر دیگری شود و عقوبتی برای آن مقرر شده باشد. برای بیان مثال در این مورد می‌توان به جرم قتل اشاره کرد: کشتن یک زن پناهجو با چاقو و شلیک گلوله مصداق فعل جنایت و عدم امداد رسانی و خودداری از امداد در صورت توانایی و یا ندادن آب و غذا به زن پناهجو مصداق ترک فعل می‌باشند.

مرگ‌ومیر و آسیب‌های جسمی از مهم‌ترین جرایم ارتكابی علیه زنان پناهجو می‌باشد که در مواردی به‌صورت عمدی و در مواردی نیز به‌صورت غیرعمدی صورت می‌پذیرد. در این بین ترک فعل و عدم کمک و امداد و نجات از سوی دولت‌ها و کشورها نقش بسیار مهم و اساسی دارد. در موارد متعددی زنان پناهجو شکنجه می‌شوند که شکنجه جسمی نیز در این گروه از جرایم قرار می‌گیرد. ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه نیز آزار و شکنجه را به این صورت تعریف نموده است: «هر عملی که درد و رنج شدید آن، چه فیزیکی و چه روحی به‌صورت عمدی به یک فرد وارد می‌شود» (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۹۲).

۱-۲-۴- ارتکاب جرایم علیه تمامیت شخصیت معنوی زنان

پناهجو

انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است و چه‌بسا در مواردی ضررهایی که به روح و روان و بعد معنوی زنان پناهجو وارد می‌شود، جبران‌ناپذیرتر از صدمات جسمانی و مادی است. جرایم علیه زنان پناهجو را که بعد تمامیت شخصیت معنوی آن‌ها را مورد لطمه قرار می‌دهد، بسیار وسیع و گسترده هستند و به کرات نسبت به زنان پناهجو، ارتکاب می‌یابد. توهین، افترا، نشر اکاذیب، افشای اسرار، هتک حرمت مراسلات و مکاتبات احتمالی، تهدید، هتک حرمت محل سکونت موقت زنان

اشکال مختلف سوءاستفاده شود (Gilad, 1990: 18). به‌طور حتم در بین پناهجویان، زنان به دلیل شرایط خاص جسمانی و روحی و روانی، بیشتر در معرض جرم و آماج آن قرار دارند.

۱-۲-۱- نسل‌کشی زنان پناهجو

«نسل‌کشی»^۱ جرم مهم بین‌المللی است که در صلاحیت موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارد (موسی‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۰۶). در مواردی زنان پناهجو موضوع جرم نسل‌کشی قرار گرفته‌اند. نسل‌کشی هرگونه اقدام و مبادرت به نابودی و حذف فیزیکی بخش یا کلیت یک گروه نژادی، قومی، ملی یا مذهبی توسط یک گروه دیگر است (کریانگساک، ۱۳۹۶: ۳۴۸). هرگونه اقدام به نابودی کل یک گروه نژادی، ملی، مذهبی مانند کشتار دسته‌جمعی یک گروه خاص، ایجاد لطمات روانی و جسمانی بر یک گروه ویژه، ضربه‌زدن عمدی به افراد یک گروه خاص، تحمیل معیارهایی برای جلوگیری از تولد فرزندان آن‌ها، جابه‌جایی اجباری فرزندان گروه‌ها به یکدیگر، طرح‌ریزی برای آسیب‌رساندن به گروهی خاص و ... همه از مصداق‌های بارز نسل‌کشی می‌باشند (شریعت باقری، ۱۳۹۷: ۷۴).

۱-۲-۲- جنایات علیه بشریت نسبت به زنان پناهجو

«جنایات علیه بشریت»^۲ نیز جرم مهم بین‌المللی است که در صلاحیت موضوعی دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارد (موسی‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۰۶). به‌عبارت دیگر جنایاتی هستند که علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابند و آن‌چه آن را مخوف می‌سازد، این است که این جنایات توسط دولت و سایر سازمان‌هایی که دسترسی به قدرت سیاسی دارند، طراحی می‌شود و فرد مرتکب به‌عنوان بخشی از حکومت مرتکب آن می‌شود (موسوی، ۱۳۹۷: ۴۲۷). اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا هر دو تجاوز جنسی را به‌عنوان جنایت علیه بشریت شناسایی کردند (کاسسه، ۱۴۰۱: ۵۰۷). در سال ۲۰۰۸ شورای امنیت سازمان ملل قطع‌نامه ۱۸۲۰ را صادر کرد که در آن اشاره شده بود تجاوز و دیگر اشکال خشونت جنسی می‌تواند مصداق

²- Crimes against Humanity

¹- Genocide

مهمی تبدیل کرده است که باید برای سیاست‌گذاران، جرم‌شناسان، حقوق‌دانان و مددکاران اجتماعی و طیف وسیعی از متخصصان دیگر، مورد توجه قرار گیرد. خشونت جنسی در انواع زمینه‌ها، از جمله در روابط صمیمانه و توسط افرادی بدون رابطه زوجیت در خانواده‌ها و جوامع انجام می‌شود. از نظر ارتکاب، خشونت جنسی بیشتر توسط مردان انجام ارتکاب می‌یابد. زنان و دختران، در سراسر جهان قربانی اصلی خشونت جنسی هستند (Sexual Violence Resource Center, 2019). در بین این جمعیت «از جمله اشخاصی که موضوع خشونت جنسی هستند، پناهجویان می‌باشند» (de Oliveira Araujo et al, 2019: 23). آن‌چه در نهایت مهم است «شناسایی فرد آسیب دیده از خشونت جنسی به‌عنوان یک قربانی است» (Cowburn & Myers, 2016: 13) که در بیشتر موارد نیز یک زن است. تخمین زده می‌شود که در میان زنان در سراسر جهان، ۳۵ درصد خشونت فیزیکی و یا جنسی را تجربه کرده‌اند (UN Women, 2019)، اگرچه اندازه‌گیری شیوع خشونت جنسی دشوار است، زیرا آمارها اغلب بر منابع داده‌هایی مانند گزارش‌های پلیس و مطالعات برخی از نهادها، مانند سازمان‌های غیردولتی تکیه دارند و تنها بخش کوچکی از موارد خشونت جنسی گزارش شده است (WHO, 2012; UN Women, 2019).

جرایم جنسی ارتكابی علیه زنان پناهجو، طیف وسیعی را دربر می‌گیرد. در این بین تجاوز جنسی و تجاوز زناشویی، لواط اجباری، تلاش برای تجاوز جنسی یا تلاش برای لواط اجباری، سوءاستفاده جنسی، استثمار جنسی، تن‌فروشی اجباری (که به آن بهره‌کشی جنسی نیز گفته می‌شود)، آزار و اذیت جنسی، خشونت جنسی به‌عنوان سلاح جنگی و شکنجه، ختنه زنان پناهجو، ازدواج اجباری زنان پناهجو در دوره پناهجویی، حاملگی اجباری و فحشای اجباری، از جمله مهم‌ترین جرایم جنسی ارتكابی علیه زنان پناهجو می‌باشد.

فحشای اجباری، به‌خصوص از طریق نیروهای نظامی بسیار مشاهده شده است (ورله، ۱۳۸۷: ۸۷). در مواردی که پناهجویی به‌دنبال مخاصمات مسلحانه صورت می‌گیرد، مواردی از فحشای اجباری مشاهده شده است (خاک، ۱۳۸۷: ۱۲۶) و از

پناهجو، توقیب و اخفای غیرقانونی و آدم‌ربایی از رایج‌ترین جرایم علیه شخصیت معنوی زنان پناهجو می‌باشد. شاید بتوان گفت هیچ زن پناهجویی یافت نمی‌شود که حداقل یکی از جرایم علیه تمامیت شخصیت معنوی علیه وی ارتکاب نیافته باشد.

۱-۲-۵- قاچاق زنان پناهجو

هرچند قاچاق زنان پناهجو را می‌توان در زمره جرایم علیه تمامیت شخصیت جسمانی و معنوی آن‌ها بررسی کرد، لیکن به‌دلیل اهمیت این جرم درخصوص زنان پناهجو و رایج‌بودن آن، در یک عنوان مستقل به آن پرداخته می‌شود. قاچاق زنان پناهجو از جرایم فراملی و فرامرزی است.

۱-۲-۶- تبعیض و اخراج غیرقانونی

زنان پناهجو چه در مسیر حرکت و چه در زمان انتظار و چه پس از ورود به کشور مقصد، همیشه با تبعیض روبه‌رو هستند، هرچند مصادیق تبعیض در بیشتر موارد جرم نمی‌باشد، لیکن در مواردی و به‌خصوص در تبعیض نژادی می‌تواند جرم تلقی شود. از طرف دیگر در شرایطی اخراج زنان پناهجو توسط کشور میزبان می‌تواند به‌عنوان یک رفتار مجرمانه و یا حداقل شروع به جرم تلقی گردد. در مواردی که کشور میزبان به‌طور حتمی می‌داند که با اخراج زنان پناهجو، آن‌ها در معرض خطرات جانی قرار می‌گیرند، این اخراج می‌تواند جرم تلقی گردد.

۱-۲-۷- جرایم جنسی علیه زنان پناهجو

بدون تردید، مهم‌ترین جرایم ارتكابی علیه زنان پناهجو، جرایم جنسی هستند. اعمال زور و فشار درخصوص اعمال جنسی شکل دیگری از خشونت است که معمولاً بر روی خانم‌ها اعمال می‌شود. تجاوز جنسی آسیب‌زننده‌ترین نوع خشونت برای زنان محسوب می‌شود. خشونت جنسی شامل درخواست‌های نابه‌جا و خارج از عرف از شریک جنسی را نیز دربر می‌گیرد (رحمتیان، ۱۳۹۰: ۱۴). خشونت جنسی یک مشکل جدی حقوق بشری و مرتبط با سلامت عمومی در سراسر جهان است که پیامدهای منفی جسمی، اجتماعی، اقتصادی، روانی، جنسی و تولید مثلی فراوانی را به همراه دارد (De Schrijver et al, 2018: 33). این معضلی است که خانواده‌ها، زنان و کودکان را در جوامع مختلف در سطح جهان تحت تأثیر قرار داده و آن را به موضوع

دیدگاه سازمان ملل متحد جرم تلقی می‌گردد (حسینی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۲۵۶). زنان پناهجو در تمامی مدت پناهجویی و به‌طور دائم در معرض ارتکاب جرایم قرار جنسی دارند. جرایم جنسی نسبت به پناهجویان زن از حیث مرتکبین دارای وضعیت بسیار خاصی می‌باشد و حتی اشخاصی که در راستای تکالیف قانونی و بین‌المللی باید به زنان پناهجو کمک نمایند، در موارد متعددی به این زنان تجاوز کرده‌اند. مصادیق متعددی از تجاوز پلیس و نیروهای مرزبانی و مأموران مهاجرتی به زنان پناهجو وجود دارد و ادعاهای متعددی در این خصوص مطرح شده است.

۱-۲-۸- جرایم علیه اموال زنان پناهجو

زنانی که در موقعیت پناهجویی قرار می‌گیرند، اموال چندانی به همراه ندارند، اما محدود اموالی را نیز که همراه دارند، تمام دارایی آن‌ها محسوب می‌شود. در حالت معمول پول نقد، جواهرات، موبایل و اسناد مالکیتی تمامی دارایی است که زنان پناهجو همراه با خود دارند. به‌همراه داشتن این گروه از اموال که از بهترین اموال در جهت سرقت و کلاهبرداری و خیانت در امانت می‌باشند، زنان پناهجو موضوع جرایم علیه اموال نیز قرار می‌گیرند و در موارد متعددی اموال آن‌ها به سرقت رفته و یا این‌که اشخاصی با کلاهبرداری و وعده‌های دروغین مبادرت به گرفتن این اموال کرده و حتی در مواردی نیز که این اموال در کمپ‌های موقت به امانت گذاشته شده است، از پس‌دادن امانتی امتناع شده است.

جرایم علیه اموال زنان پناهجو، درد مضاعفی برای آن‌ها می‌باشد که با از دست‌دادن این اموال، احتمال ارتکاب جرایم دیگر نسبت به این زنان را بیشتر می‌کند. زن پناهجویی که پول وی به سرقت رفته است، مجبور است برای تأمین هزینه‌ها، تن به فحشا بدهد.

۲- تدابیر تقنینی نظام حقوق بین‌الملل در حمایت از زنان پناهجو

پیوند و رابطه حقوق بین‌الملل در حمایت از زنان پناهجو را باید عرصه حقوق کیفری بین‌المللی مورد توجه قرار داد. در این عرصه و در راستای حمایت از زنان پناهجو در عرصه حقوق بین‌الملل، مباحث متعددی مطرح می‌شود.

۲-۱- جرم‌انگاری جرایم ارتكابی علیه زنان پناهجو

اولین موضوع مرتبط با زنان پناهجو در ابعاد کیفری آن در حقوق بین‌الملل، این است که آیا حقوق بین‌الملل نسبت به جرم‌انگاری رفتارهای ارتكابی علیه زنان پناهجو، اقدامی را انجام داده است یا خیر؟ به‌طور اخص هیچ جرم‌انگاری اختصاصی در این حوزه مشاهده نمی‌شود، اما جرایم بین‌المللی چهارگانه که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند، ازجمله جرایم نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت در موارد متعددی علیه زنان پناهجو به‌کار گرفته شده‌اند. از طرف دیگر حقوق بین‌الملل در مقابله با جرایم سازمان یافته علیه زنان پناهجو و ازجمله قاچاق زنان پناهجو، هرچند به‌طور مستقیم این موارد را به‌عنوان جرم بین‌المللی جرم‌انگاری نکرده است، لیکن اقدامات مهمی در جهت تقویت نظام‌های ملی در مقابله با این جرایم، صورت داده است.

۲-۲- تصویب معاهدات تشکیل‌دهنده دادگاه‌های بین‌المللی

امروزه ظرفیت موجود نظام حقوق بین‌الملل در حوزه دادگاه‌های کیفری، قابلیت استفاده در جهت رسیدگی به جرایم ارتكابی علیه زنان پناهجو را دارد. از یک طرف دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جرایم نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت که نسبت به زنان پناهجو ارتكاب یافته است و از طرف دیگر برخی از دادگاه‌های منطقه‌ای که صلاحیت رسیدگی به جرایم ارتكابی را دارند، می‌توان نام برد.

۲-۳- تصویب معاهدات تشکیل‌دهنده سازمان‌های بین‌المللی حامی زنان پناهجو

ضلع دیگر رابطه بین حقوق بین‌الملل و مسائل کیفری مرتبط به زنان پناهجو، سازمان‌های بین‌المللی است که در حوزه حمایت از زنان پناهجو، دارای تکالیفی هستند. در این بین نقش کمیساریای عالی پناهندگان بسیار برجسته است.

۲-۴- تدوین و تصویب تدابیر پیشگیری

نظام حقوق بین‌الملل در حوزه تدابیر پیشگیری از جرم علیه زنان پناهجو، دارای سازوکارهای معین و مشخصی است. در این بین تکالیف خاصی برعهده «کمیساریای عالی پناهندگان» و «دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد» قرار دارد.

از مقررات مربوط به پناهندگان قابلیت اعمال به پناهجویان را نیز دارد و باید از این فرصت در جهت حمایت از پناهجویان زن در قبال جرم و پدیده‌های مجرمانه، بهره برده شود.

۳-۱- کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی آن

کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان است و از حیث عنوان مربوط به پناهجویان نیست، اما پناهجویی جزئی از فرآیند پناهندگی است و به همین دلیل، بخش مهمی از مقررات این کنوانسیون که مربوط به قبل از اعطای پناهندگی است، در مورد زنان پناهجو، قابلیت اعمال را دارد.

کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضعیت پناهندگان پایه و اساس قانون بین‌المللی برای زنان پناهجو است. اصطلاح پناهنده را تعریف می‌کند و مشخص می‌کند که چه کسی پناهنده است. این اصل را تعیین می‌کند که پناهندگان نباید اجباراً به سرزمینی بازگردانده شوند که زندگی یا آزادی آن‌ها در معرض خطر است و وظایف پناهندگان و مسئولیت دولت‌ها در قبال آن‌ها را مشخص می‌کند (Chungong, 2017: 18).

این کنوانسیون اندکی پس از جنگ جهانی دوم تنظیم شد و نویسندگان آن بر مشکلات پناهجویان و پناهندگان موجود در آن زمان متمرکز بودند (Betts & Collier, 2017: 53). همان‌گونه که اشاره شد، تعریف پناهنده مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۱ به افرادی اطلاق می‌شود که در نتیجه وقایعی که قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ رخ داده، پناهنده شده‌اند و دولت‌ها باید اعلام می‌کردند که آیا این تعریف را فقط در مورد رویدادهایی که در اروپا رخ داده است، اعمال کرده و یا به سایر رویدادهای دیگر در سایر نقاط جهان نیز اعمال می‌کنند. با ظهور بحران‌های جدید پناهجویی در سراسر جهان در طول دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، مشخص شد که دامنه زمانی و جغرافیایی کنوانسیون ۱۹۵۱ باید گسترده شود. پروتکل ۱۹۶۷ کنوانسیون برای انجام این کار به تصویب رسید.

پروتکل محدودیت‌های زمانی و جغرافیایی مندرج در کنوانسیون را حذف کرد و با الحاق به پروتکل، کشورها موافقت می‌کنند که محتوای اصلی کنوانسیون ۱۹۵۱ (مواد ۲ تا ۳۴) را

۲-۵- تدوین قواعد مسئولیت بین‌المللی کشورها در قبال جرایم ارتكابی علیه زنان پناهجو

هرچند نظام حقوق بین‌الملل در وضعیت حاضر مسئولیت کیفری را برای کشورها و دولت‌ها به‌عنوان اشخاص حقوقی نپذیرفته است، لیکن این بدان معنا نیست که کشورها در قبال جرایم ارتكابی علیه زنان پناهجو، هیچ مسئولیتی ندارند. در مواردی که جرایم ارتكابی علیه زنان پناهجو در قالب نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل ارتكاب می‌یابند، مسئولیت بین‌المللی کشورها قابل طرح است.

۲-۶- تدوین و تصویب موافقت‌نامه‌های همکاری‌های پلیسی و قضایی بین‌المللی

حقوق بین‌الملل در راستای حمایت از زنان پناهجو در مقابل جرم و جنایت، نیازمند همکاری‌های قضایی بین‌المللی است. این همکاری‌ها ابعاد مختلفی دارد که تصویب موافقت‌نامه‌های استرداد مجرمین از مهم‌ترین آن‌ها می‌باشد.

۳- قوانین و استانداردهای بین‌المللی حمایت از پناهجویان زن و کاستی‌های وارد بر آن‌ها

منظور از قوانین و استانداردهای بین‌المللی حمایت از زنان پناهجو، آن دسته از اسنادی است که برای اعمال در عرصه بین‌المللی ایجاد شده‌اند و قلمرو اجرایی آن‌ها تمامی جهان است. سند اصلی حقوق بین‌المللی مرتبط با پناهجویان زن کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ آن می‌باشند و در کنار آن از چند سند بین‌المللی دیگر نیز می‌توان نام برد.

البته باید توجه داشت که هیچ سند بین‌المللی مختص به زنان پناهجو و حتی پناهجویان به‌طور کلی وجود ندارد و مهم‌ترین کاستی در حوزه اسناد بین‌المللی حامی زنان پناهجو نیز فقدان چنین سندی می‌باشد. قوانین و استانداردهای بین‌المللی در راستای حمایت از زنان پناهجو را باید در دل قوانین و استانداردهای موجود یافت و به تحلیل آن‌ها پرداخت. امروزه آنچه که در قوانین و استانداردهای بین‌المللی آمده است، مرتبط با پناهندگان است و حقوق بین‌الملل در مرحله ایجاد قوانین و مقررات بین‌المللی، درخصوص وضعیت پناهجویی فاقد حتی یک سند مستقل است، اما از آنجا که پناهجویی بخشی از فرآیند پناهندگی است، شاهد این هستیم که بسیاری

برای همه افراد تحت پوشش تعریف پناهندگی پروتکل، بدون محدودیت زمانی و مکانی اعمال کنند.

اکثر کشورها ترجیح داده‌اند که هم به کنوانسیون و هم به پروتکل ملحق شوند. با انجام این کار، آن‌ها مجدداً تأکید می‌کنند که هر دو معاهده برای سیستم بین‌المللی حمایت از پناهندگان «اساسی و مورد نیاز» هستند. کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ تجسم مدرن نهاد دیرینه پناهندگی هستند، قدرت این دو سند بر ویژگی جهانی و بدون تبعیض و ارزش‌های اساسی آن‌ها است. کنوانسیون ۱۹۵۱ سازمان ملل متحد در مورد وضعیت پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ آن، اسناد اصلی حقوق بین‌المللی پناهندگان هستند (Chungong, 2017: 19) و برای حمایت از پناهجویان زن بسیار حیاتی هستند.

بند ۲ ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ دو استثنا را در مورد «اصل عدم بازگرداندن» مطرح کرده است. اگر دلایل معقولی وجود داشته باشد که زن پناهجو به‌عنوان خطری برای امنیت کشوری که در آن حضور دارد، تلقی می‌شود، همچنین اگر زن پناهجو مرتکب جرمی شود که برای کشور میزبان یک خطر جدی محسوب شود. با این حال، بند ۲ ماده ۳۳ کشورها را از تعهدات خود تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر رها نمی‌کند.

کاستی‌های کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی در حمایت از زنان پناهجو را به‌شرح زیر می‌توان بیان کرد: «عدم ارائه تعریف از وضعیت پناهجویی» مهم‌ترین کاستی موجود در کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی آن است. کاستی مهم دیگر این است که به وضعیت زنان پناهجو به‌طور خاص توجهی نشده است. در بیشتر موارد آوارگی و پناهجویی، مردان درگیر جنگ هستند و در نتیجه شاهد پناهجویی زنان بدون حضور مردانشان هستیم و شایسته بود تا این وضعیت به‌طور خاص مورد توجه کنوانسیون و پروتکل الحاقی آن قرار می‌گرفت. در نقد و بررسی این کنوانسیون باید گفت که زنان بیش از نیمی از جمعیت پناهجویان و پناهندگان جهان را تشکیل می‌دهند (OECD, 2023: 38). آن‌ها در بسیاری موارد نیازهایی مشابه مردان پناهنده دارند، از جمله حمایت در برابر بازگشت اجباری، حمایت در برابر بازداشت طولانی‌مدت و غیرموجه، برخورداری از

وضعیت قانونی که به آن‌ها حقوق اجتماعی و اقتصادی اعطا کند، دسترسی به نیازهای اساسی نظیر غذا، پوشاک، سرپناه، مراقبت‌های بهداشتی و نظایر آن، اما از آنجایی که زنان اصولاً به مقتضای جنسیتشان در برابر نقض حقوق آسیب‌پذیرند، شرایط نامساعد ناشی از وضعیت آوارگی، آنان را بیش از مردان تحت تأثیر قرار می‌دهد. از یک طرف، اشکال خاصی از نقض حقوق بشر همچون اعمال خشونت جنسی و مبتنی‌بر جنسیت، خرید و فروش و نظایر آن، در غالب موارد درخصوص زنان اتفاق می‌افتد و از طرف دیگر سایر اشکال نقض حقوق بشر که عمومیت دارند، همچون محدودیت بر آزادی رفت و آمد، عدم برخورداری از بهترین حالت سلامت جسمانی و روحی، بر زنان در مقایسه با مردان تأثیرات سوء بیشتری دارند. از این‌رو زنان پناهنده و پناهجو نیاز به حمایت‌های ویژه دارند. باوجود این واقعیات در هیچ‌یک از اسناد الزام‌آور حمایت از پناهندگان، از جمله کنوانسیون ۱۹۵۱ در مورد وضعیت پناهندگی و پروتکل ۱۹۶۷ آن، به وضعیت خاص زنان پناهنده و پناهجو توجه‌ای نشده است و تنها قطع‌نامه‌های کمیته اجرایی و سایر اسناد کمیساریای عالی که جنبه توصیه‌ای دارند، ضرورت توجه ویژه به زنان پناهنده و پناهجو را مورد شناسایی قرار داده‌اند، اما از آنجایی که زنان پناهنده علاوه‌بر بهره‌مندی از حقوق خاص افراد پناهنده، همچون سایر افراد نوع بشر از حقوق بشر مندرج در معاهدات حقوق بشری برخوردارند، می‌توان با استناد به این معاهدات، مسؤولیت دولت پناه‌دهنده را در رعایت حداقل استانداردهای حقوق بشری درخصوص زنان پناهجو را به اثبات رساند. تحلیل چالش‌ها و معضلاتی که زنان پناهجو با آن روبه‌رو هستند و همچنین مطالعه تفسیرهای کلی و توصیه‌های نهادهای مبتنی‌بر معاهدات حقوق بشری حکایت از آن دارد که اجرای این معاهدات درخصوص زنان پناهجو بدون تبعیض و بر مبنای تساوی با مردان، می‌تواند بسیاری از مشکلات زنان پناهجو را مرتفع نماید (Zimmermann et al, 2023: 206).

اگرچه می‌دانیم که کنوانسیون ۱۹۵۱ تأثیر مثبتی بر بحران زنان پناهجو دارد، اما منتقدان نقاط ضعف بسیاری را در این کنوانسیون نشان دادند. به‌دلیل سیاست اروپا محوری در قبال مدیریت بحران، برای سایر امضاکنندگان این کنوانسیون چندان مفید نیست (Krstić et al, 2023: 12). در تدوین این

اصل اساسی حمایت از پناهندگان و پناهجویان دارد. بیانیه نیویورک ناشی از گسترش پدیده پناهجویی در قرن بیست و یکم بوده است. تعداد زنانی که مجبور به ترک خانه‌های خود و یافتن پناهگاه جدیدی هستند، به میزانی رسیده است که در دهه‌های گذشته در چنین سطحی مشاهده نشده است. در حال حاضر بیش از ۶۶ میلیون نفر به دلیل درگیری، خشونت و آزار و اذیت از خانه‌های خود آواره شده‌اند که حدود یک‌سوم آن‌ها به دنبال پناهجویی به آن سوی مرزها گریخته‌اند. وضعیت مشابهی در اواسط دهه ۱۹۹۰، زمانی که عواقب جنگ سرد، تحولات مشابهی را پدید آورد، مشاهده شد. بزرگی و پیچیدگی پناهجویی زنان امروزه به‌طور مستقیم با درگیری‌های بین‌المللی و شیوع و توسعه و گسترش مکانی و زمانی آن از یک طرف و ناتوانی جامعه بین‌المللی در یافتن راه حل برای حل و فصل آن‌ها و کمک به زنان پناهجو مرتبط است. بیش از ۸۰ درصد از کسانی که به عنوان پناهجو از کشورهای خود فرار می‌کنند، در کشورهای همسایه مستقر می‌شوند. این کشورها که میزبان اجباری پناهجویان هستند، اغلب درگیر مشکلات و مسائل داخلی خود هستند و به هیچ عنوان آمادگی میزبانی از پناهجویان را ندارند (Micinski, 2021: 25).

بیانیه نیویورک از همان لحظه‌ای که منتشر شد، به دنبال این بود که اصل حمایت از پناهندگان و پناهجویان توسط اقدامات برخی از کشورها را مورد بررسی قرار دهد (Micinski, 2021: 29). اقدامات حمایتی توسط کشورهای میزبان، یک عنصر مهم در حقوق بین‌الملل است. در برخی کشورها و مناطق، دسترسی به پناهجویی محدود شده است. پناهجویان با مرزهای مسدود و بسته، افزایش بازداشت و موانع قانونی و عملی کشورها روبه رو می‌شوند. برخی از دولت‌ها با طرح نگرانی‌های امنیتی و در شرایط سخت اقتصادی در کشورشان و با بستن درهای خود و در قالب طرح مسائل بیگانه‌هراسی و ملی‌گرایی از پذیرش پناهجویان امتناع می‌کنند. با این حال و در عین حال، نمونه‌های مثبت زیادی از شجاعت اخلاقی و رهبری، از کشورها وجود دارد که مرزهای خود را به روی پناهجویان باز کرده‌اند و همبستگی‌های بی‌شماری از سوی افراد و جوامع در

کنونسیون نیازهای پناهندگی از منظر فاره اروپا نگریسته شده است و به همین دلیل این سند فاقد اوصاف یک سند جهانی است.

غربی‌ها به نام حاکمیت با پناهجویان پینگ‌پنگ بازی می‌کنند. مشاهده وضعیت «آلان کردی»، پناهجوی سوری پنج‌ساله که به وحشتناک‌ترین شکل جان باخت، زیرا خانواده‌اش پناهگاهی از کشورهای میزبان دریافت نکردند، مصداق بارز ضعف نظام کنوانسیون ۱۹۵۱ است (Carastathis & Tsilimpounidi, 2020: 34). همه کشورها از پذیرش چنین پناهجویان فقیری امتناع کرده‌اند. پس از حمله به پاریس، رهبران جهان موافقت کردند که تعداد پناهجویان را در کشورهای خود محدود کنند. برخی از کشورها مانند اتریش، مجارستان تا آن زمان هیچ‌یک از پناهجویان را نپذیرفتند. حق حیات پناهجویان یک حق اساسی است که در کنوانسیون به آن توجهی نشده است. تعریف کنوانسیون از پناهندگان شامل سناریوهای زیادی مانند پناهجویی به علت تجاوز خارجی، درگیری مسلحانه یا جنگ‌های داخلی نمی‌شود. مشکل مهم دیگر در مورد کنوانسیون این است که شامل زنان پناهجویی نمی‌شود که به واسطه تغییرات زیست محیطی مجبور به پناهجویی شده‌اند. بالا آمدن سطح دریا در بسیاری از کشورهای کم‌ارتفاع موجب شده است تا قابلیت زندگی در این مناطق از بین برود. مالدیو یکی از کشورهای آسیب‌دیده از این جهت است. اکثر پناهجویان کشورهای در حال توسعه توسط کشورهای غربی به عنوان «مهاجران اقتصادی» در نظر گرفته می‌شوند. این بدان معناست که آن‌ها نه به دلیل تهدید، بلکه به دلیل در دسترس بودن فرصت‌های اقتصادی در کشور میزبان از کشور خود فرار کردند.

۳-۲- بیانیه نیویورک

«بیانیه نیویورک»^۱ سومین سند مهم بین‌المللی در حمایت از زنان پناهجو می‌باشد. بیانیه نیویورک از این جهت دارای اهمیت است که بعد از سال ۱۹۶۷ که پروتکل الحاقی به کنوانسیون ۱۹۵۱ تصویب شد، به‌طور خاص وضعیت پناهجویان را مورد بررسی قرار می‌دهد. بیانیه نیویورک تأکید مجدد قاطعانه بر

^۱ - New York Declaration for Refugees and Migrants

سراسر جهان در حمایت از زنان پناهجو وجود داشته است (Chungong, 2017: 13).

بیانیه نیویورک تأکید می‌کند که حمایت از پناهندگان و پناهجویان، مستلزم مشارکت همه بخش‌های جامعه بین‌المللی است (Grandi, 2017: 14).

کاستی‌های بیانیه نیویورک در حمایت از زنان پناهجو بدین شرح است که در درجه اول در حد یک اعلامیه است. واقعیت این است که پدیده پناهندگی و پناهجویی در طول بیش از ۷۰ سال، دچار تغییرات اساسی شده است و یک «اعلامیه» به تنهایی قادر نیست که وضعیت‌های جدید را پوشش بدهد. درست است که ضمانت اجراها در حقوق بین‌الملل به‌طور کلی ضعیف هستند، لیکن در هر صورت ضمانت اجراهای یک کنوانسیون از این جهت که توسط کشورهای عضو تصویب می‌شود، به مراتب بیش از یک اعلامیه می‌باشد و به همین دلیل، نقد اصلی وارده بر این بیانیه این است که فاقد جنبه‌های الزام‌آور لازم در سطح خود حقوق بین‌الملل می‌باشد. به عبارت دیگر از حیث ضمانت اجراهای حقوقی، قوی نمی‌باشد و به‌طور کامل به اراده کشورهای درگیر در موضوع پناهجویی زنان وابسته است. مبنای اصلی بیانیه نیویورک بر همکاری کشورها می‌باشد، درحالی‌که هیچ راهکار الزامی در این خصوص وجود ندارد. از نظر محتوایی این انتظار می‌رفت که در اعلامیه نیویورک، «پناهجویی» به‌عنوان یک وضعیت مستقل از پناهندگی مورد توجه قرار گیرد که این امر نیز محقق نگردید.

۳-۳- اعلامیه محو انواع خشونت علیه زنان

«اعلامیه رفع خشونت علیه زنان»^۱ توسط مجمع عمومی ملل متحد در قطع‌نامه ۱۰۴/۴۸ در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ و بدون رای‌گیری به تصویب رسید. این اعلامیه، «خشونت علیه زنان» را به‌معنای موسع در نظر گرفته است و در نتیجه به معنی هر عمل خشونت‌آمیز براساس جنس است که به آسیب یا رنجاندن جسمی، جنسی یا روانی زنان منجر بشود یا احتمال می‌رود که منجر شود، ازجمله تهدیدات یا اعمال مشابه، اجبار یا محروم کردن مستبدانه زنان از آزادی که در منظر عموم یا در خلوت

زندگی خصوصی انجام شود (Edwards, 2011: 34). تعبیر خشونت علیه زنان شامل انواع خشونت می‌شود که نسبت به زنان صورت می‌گیرد. اهمیت این سند بین‌المللی در حمایت از زنان پناهجو در این است که زنان پناهجو ازجمله زنانی هستند که به‌طور گسترده در معرض «خشونت» قرار دارند و در نتیجه تمامی حمایتی‌های مندرج در این سند بین‌المللی، شامل زنان پناهجو می‌گردد. مطابق این سند، دولت‌ها باید خشونت علیه زنان را محکوم نموده و نباید با استناد به هیچ عرف، رسم، سنت و یا ملاحظات مذهبی از انجام تعهدات خود سرباز زنند. دولت‌ها باید با استفاده از تمام شیوه‌های مناسب و بدون تأخیر سیاست حذف خشونت علیه زنان را تا پایان آن دنبال کنند. بدیهی است که زنان پناهجو از این جهت که «زن» می‌باشند، مورد حمایت این اعلامیه قرار دارند.

برای این که بتوان به برخی از کاستی‌های این اعلامیه اشاره نمود، باید گفت که هرچند این اعلامیه در اوایل دهه ۹۰ میلادی پیشرو محسوب می‌شده و ظواهر جدیدی از خشونت علیه زنان را دربر می‌گرفته است، اما با سپری شدن زمان و گذشتن نزدیک به سه دهه از صدور این اعلامیه، دیگر قابل انطباق با ظواهر جدید خشونت علیه زنان نیست و به نوعی با زمان حاضر قابل انطباق نیست و نیازمند بازبینی و اصلاحات جدی است، چراکه برخی از ظواهر خشونت علیه زنان، مخصوصاً از طریق فضای مجازی و سایبری نظیر پورنوگرافی^۲، سوءاستفاده جنسی از طریق اینترنت و ...، ازجمله رویکردهای جدید و نوین خشونت علیه زنان است که در زمان نگارش اعلامیه مذکور اساساً به‌مانند امروز دغدغه نبوده است؛ رویکرد دوم و قابل نقد، اتکای صرف این اعلامیه به خشونت علیه زنان است، به‌نحوی که با تمرکز بر خشونت و ظواهر مختلف آن، از سایر جنبه‌های کیفی و مصادیق متنوع جرایم دیگر علیه زنان غافل مانده است. همچنین این اعلامیه به‌طور کلی در مورد خشونت علیه زنان است و فاقد مقررات خاص در حوزه حمایت از زنان پناهجو می‌باشد. در این کنوانسیون باید به وضعیت‌های خاص زنان نیز توجه می‌شد.

^۲- Pornography

^۱- Declaration on the Elimination of Violence Against Women-DEVAW

متن کنوانسیون در دهم دسامبر ۱۹۸۴ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تنظیم شد و به دنبال تصویب آن توسط بیستمین کشور موافق در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ به مرحله اجرا گذاشته شد. از زمان اجرای این کنوانسیون، ممنوعیت قطعی علیه شکنجه و دیگر قوانین رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز به عنوان اصل حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده است.

شکنجه، از جمله جرایم ارتكابی علیه زنان پناهجو می‌باشد و سؤال این است که این کنوانسیون چگونه از پناهجویان زن محافظت و حمایت می‌کند. کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز جایگاه ویژه‌ای در حقوق بین‌المللی پناهجویان زن دارد، زیرا شکنجه و سایر اشکال بدرفتاری را که باعث درخواست پناهجویان زن برای حمایت می‌شود، تعریف و ممنوع می‌کند. بازگرداندن یا بازگشت اجباری به موقعیت‌هایی را که «دلائل قابل توجهی برای این باور» وجود دارد که یک فرد در خطر شکنجه قرار دارد، ممنوع می‌کند. مقررات عدم بازگرداندن آن به افرادی که رسماً به عنوان پناهنده شناخته شده‌اند، محدود نمی‌شود. بنابراین می‌تواند به افرادی کمک کند که مهلتی را برای درخواست به رسمیت شناختن پناهنده از دست داده‌اند یا تصمیمی اشتباه گرفته شده‌اند یا در کشورهایی هستند که هیچ رویه مشخصی برای تعیین وضعیت پناهندگی وجود ندارد. برخلاف مفاد کنوانسیون ۱۹۵۱، شرط عدم اخراج کنوانسیون منع شکنجه مطلق است. هیچ گونه محدودیت یا عدول از این ماده جایز نیست و از جمله این که شامل تمامی پناهجویان و از جمله پناهجویان زن نیز می‌شود. براساس کنوانسیون، کمیته‌ای علیه شکنجه ایجاد شده است. افراد می‌توانند علیه یک کشور عضو به این کمیته شکایت کنند، مشروط بر این که آن کشور صلاحیت کمیته را برای دریافت و بررسی ارتباطات فردی به رسمیت بشناسد (Chungong, 2017: 26).

علی‌رغم وجود این کنوانسیون، شکنجه نسبت به زنان پناهجو به دلیل ترس از مقررات این کنوانسیون، کاهش نیافته است.

۳-۴- کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی
«کنوانسیون بین‌المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی»^۱ از معاهده‌های سازمان ملل است. این معاهده اعضای خود را به محو نژادپرستی و ترویج تفاهم بین همه نژادها متعهد می‌کند. اعلامیه مذکور در کلیه زمینه‌ها اعم از اقتصادی، اجتماعی، شغلی، خانوادگی و ... برای زنان حقوقی مساوی با مردان شناخته است. نگاهی گذرا به این اعلامیه و اعلامیه‌هایی که ابتدای تأسیس جامعه ملل برای حمایت از زن در قبال بردگی و خرید و فروش آنان صادر شده بود، نشان‌دهنده تعالی و تغییر سطح تفکر جهانی نسبت به زنان و حقوق آنان است، درحالی که متفکرین و حقوق دانان جهان در سال ۱۹۰۴ نگران خرید و فروش زنان سفید بودند، در سال ۱۹۷۵ از تبعیضاتی که در بعضی از مسائل و در برخی از ممالک جهان بر زنان می‌رفت، گله‌مند بودند (عبادی، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان کمبودها و خلأهایی دارد و همه جنبه‌های حقوق زنان در آن گنجانده نشده است (مهرپرور، ۱۳۷۴: ۲۵). تبعیض عامل مهمی در ارتكاب جرایم علیه زنان پناهجو است و محو تبعیض نسبت به زنان پناهجو در حوزه حقوق پناهجویی لازم و ضروری است. دسترسی به خدمات سلامت باید برای تمامی اشخاص در یک جامعه یکسان باشد، درحالی که زنان پناهجو به نسبت جامعه میزبان کمترین دسترسی به این خدمات را دارند.

۳-۵- کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه
«کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه»^۲ یک دستورالعمل حقوق بشر بین‌المللی در ملل متحد برای جلوگیری از شکنجه و دیگر قوانین مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی در سراسر جهان است. این کنوانسیون دولت‌ها را ملزم می‌کند که در هر قلمروی تحت حوزه قضایی آن‌ها برای پیشگیری از شکنجه اقدامات تأثیرگذار را اتخاذ کنند و دولت‌ها را از انتقال هریک از مردم به هر کشوری که در آنجا دلیلی برای این وجود دارد که آن‌ها در آنجا شکنجه شوند، منع می‌کند (Danelius & Burgers, 2021: 11).

² - United Nations Convention against Torture

¹ - International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (ICERD)

۳-۶- کنوانسیون حقوق کودک

در بین زنان پناهجو، کودکان دختر فراوانی وجود دارد و این کودکان در سایه حمایت این سند مهم قرار دارند. «کنوانسیون حقوق کودک»^۱ یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند (Sloth-Nielsen & Liefwaard, 2016: 9). منظور از کودک، هر انسانی است که کمتر از هجده سال سن داشته باشد، مگر این که طبق قانون مربوط به کودک، سن بلوغ زودتر حاصل شده باشد، در نتیجه تمامی دختران پناهجو زیر سن ۱۸ سال از تمامی حمایت‌های این کنوانسیون بهره‌مند می‌شوند. دولت‌هایی که این معاهده را امضا کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند و شکایت‌های راجع به آن به کمیته حقوق کودک ملل متحد تسلیم می‌شود. تقریباً همه کشورهای جهان کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرده‌اند. این کنوانسیون برای همه کودکان، از جمله آن‌هایی که پناهنده یا پناهجو هستند، اعمال می‌شود. کنوانسیون چهار اصل اساسی را بیان می‌کند که اساس رفتار با همه کودکان است:

- ۱- اصل عدم تبعیض (ماده ۲)؛ ۲- اصل مصلحت کودک (ماده ۳)؛ ۳- حق حیات و بقا و توسعه (ماده ۶)؛ ۴- حق استماع (ماده ۱۲).

علاوه بر این، کنوانسیون حاوی مقرراتی است که برای دختران پناهجو قابل استناد است.

- تعدادی از حقوق اساسی، از جمله حفاظت در برابر سوءاستفاده، استثمار و بی‌توجهی، رشد جسمی و فکری را تشریح می‌کند و به آموزش، غذای کافی و بالاترین استاندارد قابل دستیابی سلامت اشاره دارد.

- حاوی مقررات مربوط به حق کودک برای جدانشدن از والدین برخلاف میل آن‌هاست، مگر در مواردی که این به نفع کودک باشد و حق «حمایت و کمک ویژه» توسط دولت در صورتی که کودک به طور موقت یا دائم از محیط خانوادگی خود محروم شود را به رسمیت شناخته است.

- به طور خاص بیان می‌کند که هر کودکی که به دنبال وضعیت پناهندگی است یا پناهنده است، حق دارد از حمایت مناسب و کمک‌های بشردوستانه برای برخورداری از حقوق مندرج در کنوانسیون برخوردار شود.

اصل مصلحت کودک در این کنوانسیون آمده است. کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: «در کلیه اقدامات مربوط به کودکان، اعم از این که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی دولتی یا خصوصی، دادگاه‌های حقوقی، مقامات اداری یا نهادهای قانون‌گذاری انجام می‌شود، بهترین منافع کودک باید در اولویت قرار گیرد.» این امر در مورد همه کودکان بدون تبعیض، از جمله در مورد دختران پناهجو، صدق می‌کند (Chungong, 2017: 28).

کمیته حقوق کودک این اصل مهم را مفهومی سه‌گانه می‌داند:

۱- یک حق ماهوی: هر کودکی حق دارد که بهترین منافع او ارزیابی و به عنوان یک ملاحظات اولیه در نظر گرفته شود؛

۲- یک اصل حقوقی: هرگاه مقرراتی تاب بیش از یک تفسیر را داشته باشد، باید تفسیری را انتخاب کرد که به بهترین نحو در خدمت منافع کودک باشد؛

۳- یک قاعده شکلی: هر زمان که تصمیمی گرفته می‌شود که بر یک کودک خاص، گروهی از کودکان یا به طور کلی کودکان تأثیر می‌گذارد، فرآیند تصمیم‌گیری باید شامل ارزیابی تأثیر احتمالی (مثبت یا منفی) تصمیم بر کودک باشد.

کودکان دختر پناهجو به طور کامل وابسته به خانواده بوده و تنهایی این کودکان در مسیر پناهجویی بیشترین آسیب‌ها را برای آن‌ها به همراه دارد و به خصوص دختران بین ۱۴ تا ۱۸ سال که جزء پناهجویان هستند، در معرض شدیدترین خشونت‌های جنسی قرار دارند (Watters, 2007: 15). کنوانسیون حقوق کودک، از جمله اسنادی است که کمیساریای عالی پناهندگان به آن توجه خاصی دارد (Benson & Crock, 2018: 6)، البته این کنوانسیون در حمایت از دختران پناهجو با کاستی‌های مهمی روبه‌روست و از جمله این که در

^۱ - United Nations Convention on the Rights of the Child

متن کنوانسیون، وضعیت خاص پناهجویی کودکان مورد توجه قرار نگرفته است.

۳-۷- نقش حمایتی سایر معاهدات بین‌المللی

سایر معاهدات بین‌المللی که بسیاری از آن‌ها دارای پروتکل‌های اختیاری مرتبط هستند، نقش مهمی در حمایت از پناهجویان زن دارند:

- پناهجویان زن باید از حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی باید بر مبنایی غیر تبعیض‌آمیز برخوردار شوند و تقریباً تمام مفاد آن برای همه افراد در قلمرو یک دولت یا تحت صلاحیت آن اعمال می‌شود. این حقوق شامل حق قرارنگرفتن در معرض شکنجه، رفتار ظالمانه، رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز است که منع بازگشت زنان پناهجو در راستای چنین رفتاری تعبیر شده است. از دیگر حقوق مدنی و سیاسی می‌توان به حق حیات، حق آزادی و امنیت شخصی، آزادی حرکت در داخل کشور، محافظت در برابر اخراج و حمایت یکسان در برابر قانون اشاره کرد.

- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اصل عدم تبعیض را در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌کند. کشورها را متعهد می‌کند به‌طور تدریجی برای تحقق استاندارد زندگی مناسب تا بالاترین حد برای پناهجویان زن کار کنند. استانداردهای قابل دستیابی از سلامت جسمی و روانی و تحصیلات، از جمله آن‌ها می‌باشند (روناک، ۱۳۸۸: ۱۴).

- کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان کشورهای عضو را ملزم می‌کند که از تبعیض علیه زنان به هر طریقی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منجر به سلب برخورداری آن‌ها از حقوق برابر با مردان شود، خودداری کنند. علاوه بر این، اشکال تشدید یا انباشته تبعیض علیه زنان ممکن است در مفهوم کنوانسیون ۱۹۵۱ به آزار و اذیت تبدیل شود.

- کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، به‌طور خاص کشورهای عضو را ملزم می‌کند که از حفاظت و ایمنی افراد دارای معلولیت در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز، اطمینان حاصل کنند (Grandi, 2017: 17).

- کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از همه افراد در برابر ناپدیدشدن اجباری، کشورهای عضو را ملزم می‌کند که ناپدیدشدن اجباری را یک جرم کیفری تلقی کرده و مسؤولین آن را به عدالت بسپارند. کنوانسیون از زنان پناهجو، در برابر استرداد حمایت می‌کند (Chungong, 2017: 30).

در صورتی که دلایل قابل توجهی بر این باور وجود داشته باشد که درخواست استرداد صورت گرفته با هدف پیگرد قانونی زن پناهجو به دلیل جنسیت، نژاد، مذهب، ملیت، منشأ قومی، عقاید سیاسی یا عضویت در یک گروه اجتماعی خاص می‌باشد یا اگر انجام این درخواست به هریک از دلایل مزبور باعث آسیب به زن پناهجو شود، این کنوانسیون از آن ممانعت به عمل می‌آورد. همچنین از زنان پناهجو در برابر بازگرداندن اجباری به کشوری که دلایل قابل توجهی بر این باور وجود دارد که زن پناهجو در معرض خطر ناپدیدشدن اجباری قرار دارد، محافظت می‌کند.

۴- قوانین و استانداردهای منطقه‌ای حمایت از زنان پناهجو و کاستی‌های آن‌ها

به‌منظور پاسخگویی به ویژگی‌های منطقه‌ای، دولت‌ها در نقاط مختلف جهان قوانین و استانداردهای منطقه‌ای را تدوین کرده‌اند که مکمل رژیم بین‌المللی حمایت از پناهجویان هستند. در این شماره ضمن معرفی مهم‌ترین اسناد منطقه‌ای در حمایت از زنان پناهجو، به کاستی‌های آن‌ها نیز پرداخته می‌شود. وضعیت زنان پناهجو در تمامی مناطق جهان یکسان نیست؛ به همین دلیل انتظار این است که در مناطقی وضعیت پناهندگی و پناهجویی با چالش‌های بیشتری روبه‌روست؛ کشورهای آن منطقه علاوه بر مقررات بین‌المللی، نسبت به تدوین و تنظیم اسناد منطقه‌ای در حمایت از پناهجویان، مباردت ورزند.

۴-۱- اسناد منطقه‌ای در آفریقا

قاره آفریقا مبدأ بخش مهمی از پناهجویان و از جمله زنان پناهجو می‌باشد. چند سند منطقه‌ای مهم در قاره آفریقا در راستای حمایت از زنان پناهجو وجود دارد. درگیری‌هایی که با پایان دوران استعمار در آفریقا همراه بود، به دنبال خود، جنبش‌های گسترده پناهجویی را به وجود آورد. این جابه جایی‌های جمعیتی نه تنها عاملی برای تصویب پروتکل ۱۹۶۷

بود، بلکه همچنین «کنوانسیون ۱۹۶۹ حاکم بر جنبه‌های خاص مشکلات پناهندگان در آفریقا»^۱ را که بر جنبه‌های خاص مشکلات پناهجویان و پناهندگان در آفریقا حاکم است، تنظیم و تصویب کرد. کنوانسیون ۱۹۶۹ تأیید می‌کند که کنوانسیون ۱۹۵۱ سند اساسی و جهانی در رابطه با وضعیت پناهندگان است. این کنوانسیون، تعریف پناهنده موجود در کنوانسیون ۱۹۵۱ را پذیرفته است، اما تعریف آن را به گونه‌ای گسترش می‌دهد که هر فردی را که مجبور به ترک کشور خود به دلایل تجاوز خارجی، اشغال، تسلط خارجی و رویدادهایی مختل‌کننده نظم عمومی شود را نیز شامل می‌شود.

این بدان معناست که افرادی که از ناآرامی‌های داخلی، خشونت‌های گسترده و جنگ در کشورهای طرف کنوانسیون آفریقایی فرار می‌کنند، حق دارند از وضعیت پناهندگی برخوردار شوند، حتی اگر ترس موجهی از آزار و اذیت به یکی از دلایلی که در کنوانسیون ذکر شده است را نداشته باشند، البته ممکن است بسیاری از افراد تحت شرایط هر دو کنوانسیون پناهنده محسوب شوند.

کنوانسیون ۱۹۶۹ حاکم بر جنبه‌های خاص مشکلات پناهندگان در آفریقا، نکات مهم دیگری را بیان می‌کند. این سند تأیید می‌کند که «اعطای پناهندگی به پناهندگان یک اقدام صلح‌آمیز و بشردوستانه است» که توسط هیچ‌یک از کشورهای عضو (اتحادیه آفریقا) به عنوان «اقدامی غیردوستانه» تلقی نمی‌شود و کشورهای عضو را ملزم به انجام آن می‌کند. این یک اقدام مناسب برای سبک کردن بار دولتی است که با در نظر گرفتن «روحیه همبستگی آفریقایی و همکاری بین‌المللی» درخواست پناهجویی زنان را پذیرفته و به آن‌ها پناهندگی می‌دهد.

این کنوانسیون وضعیت پناهجویی را در سطحی گسترده‌تر از کنوانسیون ۱۹۵۱ قبول کرده است و از این جهت یک سند مترقی‌تری محسوب می‌شود.

۴-۲- اسناد منطقه‌ای در آمریکای لاتین

آمریکای لاتین نیز از مناطقی است که به‌عنوان کشورهای مبدأ با پناهجویان زیادی سروکار دارد. اعلامیه کارتاخنا^۲ ۱۹۸۴ سند مهمی در این منطقه است. در سال ۱۹۸۴، جلسه‌ای متشکل از نمایندگان دولت و حقوق‌دانان برجسته در کارتاخنا، کلمبیا، برای بحث در مورد حمایت از پناهندگان در آمریکای لاتین تشکیل شد. آن‌ها با الهام از کنوانسیون ۱۹۶۹ آفریقایی، آن‌چه را که به‌عنوان اعلامیه کارتاخنا در مورد پناهندگان شناخته می‌شود، تصویب کردند (Chungong, 2017: 22). این اعلامیه بر محوریت کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ آن، اصل عدم بازگرداندن و همچنین اهمیت همکاری بین‌المللی برای حل مشکلات پناهندگان تأکید می‌کند. توصیه می‌کند که تعریف پناهنده‌ای که در سراسر منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد فراتر از افرادی باشد که تعریف کنوانسیون ۱۹۵۱ را برآورده می‌کنند تا شامل کسانی شود که از کشور خود گریخته‌اند، زیرا جان، امنیت یا آزادی آن‌ها توسط خشونت عمومی، تهاجم خارجی، درگیری‌های داخلی تهدید شده است. نقض گسترده حقوق بشر یا سایر شرایطی که نظم عمومی را به شدت مختل کرده است، باعث می‌شود تا مفهوم گسترده‌تری از پناهنده پذیرفته شود و از جمله این‌که پناهجویان تا قبل از اظهار نظر در مورد درخواست پناهندگی آن‌ها، از حمایت‌های لازم برخوردار باشند.

اگرچه اعلامیه یک سند الزام‌آور قانونی نیست، اکثر کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی مقررات آن را اعمال می‌کنند و بسیاری آن را در قوانین خود گنجانده‌اند. سازمان کشورهای آمریکایی، مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیته اجرایی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، همگی اعلامیه کارتاخنا را تأیید کرده‌اند. از سال ۱۹۸۴، کشورهای آمریکای مرکزی و لاتین سه بیانیه را به مناسبت سالگردهای مهم اعلامیه کارتاخنا تصویب کرده‌اند، از جمله اعلامیه و برنامه اقدام برزیل در سال ۲۰۱۴ دارای ارزش معنوی زیادی است.

گنجانیدن تعریف پناهندگی اعلامیه کارتاخنا، در قوانین ملی در کشورهای آمریکای لاتین منجر به حمایت بیشتر از زنان

^۲- Cartagena

^۱- Convention Governing the Specific Aspects of Refugee Problems in Africa – OAU.

«اهمیت احترام به اصول و ارزش‌هایی که زیربنای این اسناد هستند» اشاره کردند.

این اسناد غیرالزام‌آور مهم هستند، اما به اندازه اسناد در مناطق دیگر به اهمیت و ارزش قانونی دست نیافته‌اند. کاستی مهم در حقوق بین‌الملل در این است که خاورمیانه دارای بیشترین تعداد زنان پناهجو در سال‌های اخیر است. خاورمیانه به‌عنوان منطقه بحرانی پناهجویی است و زنان آواره سوری و افغانستانی دارای بیشترین مشکلات در جامعه زنان پناهجو هستند. فقدان یک سند بین‌المللی منطقه‌ای حامی پناهندگان و پناهجویان در بین کشورهای این منطقه به‌خوبی به چشم می‌آید.

۴-۴- اسناد منطقه‌ای در اروپا

گسترده‌ترین تحولات منطقه‌ای در مورد حمایت از زنان پناهجو از اتحادیه اروپا حاصل شده است که در سال ۱۹۹۹ تصمیم به ایجاد یک سیستم مشترک پناهندگی اروپایی براساس «کاربرد کامل و فراگیر کنوانسیون ژنو» گرفت. از آن زمان، چهار سند قانون‌گذاری کلیدی در نسخه‌های اصلی و تجدید نظر شده تصویب شده است و هر کدام محتوایی را به قانون پناهندگان در زمینه‌ای که کنوانسیون ۱۹۵۱ بدان توجه نکرده است، اضافه می‌کند.

این اسناد مربوط به: ۱- حفاظت موقت؛ ۲- پذیرش پناهجویان؛ ۳- صلاحیت برای وضعیت پناهندگی یا «حمایت فرعی» و حقوق و وضعیتی که ذی‌نفعان مستحق آن هستند؛ ۴- استانداردهای رویه‌های پناهندگی می‌باشند.

علاوه بر این، «مقررات دوبلین ۳» معیارهایی را برای تعیین این که کدام کشور عضو اتحادیه اروپا یا سایر کشورهای شرکت کننده مسؤول بررسی درخواست پناهندگی، برای ارائه پشتیبانی عملیاتی است را تعیین می‌کند (Dauvergne, 2016: 118). دو آژانس در اتحادیه اروپا در این خصوص تأسیس شدند: آژانس مرزهای خارجی اروپا فرانتکس در سال ۲۰۰۵ و دفتر حمایت از پناهجویی اروپا در سال ۲۰۱۰.

«منشور حقوق اساسی» که در سال ۲۰۰۷ تصویب شد، وضعیتی برابر با معاهدات بنیانگذار اتحادیه اروپا دارد. این

پناهجو گردید، علی‌رغم این که اعلامیه کارتاخا الزام‌آور نبود، اما به‌طور شدیدی مورد استقبال قرار گرفت (Rawlings- Sanaei & Kneebone, 2007: 40) و در اواسط سال ۲۰۱۶، در قوانین ملی ۱۴ کشور گنجانده شد. دادگاه‌های آرژانتین، بلیز، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، السالوادور، گواتمالا، هندوراس، مکزیک، نیکاراگوئه، پاراگوئه، پرو و اروگوئه، کاستاریکا و اکوادور در احکام خود به این موضوع اشاره کرده‌اند (Yeo, 2022: 31) که مقررات منطقه‌ای به‌عنوان قانون ملی است و باید در چهارچوب قوانین ملی گنجانده شود.

۴-۳- اسناد منطقه‌ای در خاورمیانه و آسیا

هیچ سند منطقه‌ای الزام‌آور برای رسیدگی به پناهندگان و پناهجویان در خاورمیانه یا آسیا وجود ندارد. در سال ۱۹۹۴، کنوانسیون عربی در مورد تنظیم وضعیت پناهندگان در کشورهای عربی توسط اتحادیه کشورهای عربی تصویب شد، اما هرگز لازم‌الاجرا نشد. اتحادیه کشورهای عربی در اکتبر ۲۰۱۷ کنوانسیون جدید عربی در مورد پناهندگان را تصویب کرد (Chungong, 2017: 23).

در سال ۲۰۰۱، کشورهای آسیایی و آفریقایی اصول تجدید نظر شده بانوک در مورد وضعیت و رفتار با پناهندگان را تصویب کردند. هم کنوانسیون پیشنهادی عربی و هم اصول بانوک از تعریف پناهندگی مندرج در کنوانسیون پناهندگان ۱۹۶۹ استفاده می‌کنند. کنوانسیون عربی آن را بیشتر به افرادی که از بلایا یا سایر رویدادهای بزرگ مخل نظم عمومی فرار می‌کنند، توسعه داده است.

در سال ۲۰۱۲، کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی اعلامیه عشق‌آباد را در یک کنفرانس وزیران در ترکمنستان تصویب کردند. اعلامیه به رسمیت می‌شناسد که «بیش از چهارده قرن پیش، اسلام مبنایی را برای اعطای پناهگاه تعیین کرد که اکنون عمیقاً در ایمان، میراث و سنت اسلامی ریشه دوانده است.» وزیران همچنین به «ارزش و اهمیت پایدار در قرن بیست‌ویکم» کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷

منشور شامل مقررات مربوط به حق پناهندگی و محافظت در برابر اخراج یا استرداد است و به خطرات جدی برای شخص پناهجو، از جمله مجازات اعدام، شکنجه یا سایر رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز توجه خاصی دارد (Chungong, 2017: 24).

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا صلاحیت تفسیر اسناد پناهندگی اتحادیه اروپا و صدور حکم در مورد هرگونه نقض ادعایی توسط کشورهای عضو را دارد. دادگاه اروپایی حقوق بشر باتوجه به مسائل مربوط به زنان پناهجو در چهارچوب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تأثیر قابل توجهی بر توسعه گسترده‌تر قوانین بین‌المللی پناهجویان زن داشته است.

قوانین و استانداردهای منطقه‌ای که در حمایت از زنان پناهجو قابلیت استناد را دارند، هریک کاستی مختص به خود را دارند، اما کاستی و نقد مشترکی که بر تمامی آن‌ها وارد است، این است که فاقد یک الگوی مشخص در حمایت از پناهجویان به طور کلی و پناهجویان زن به‌طور اخص می‌باشند. بیشترین تلاش قوانین و استانداردهای منطقه‌ای بر توسعه مفهوم و مصادیق پناهندگی نسبت به کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی آن می‌باشد. علاوه بر اسنادی که مورد بررسی قرار گرفت، باید به برخی دیگر از اسناد در این حوزه اشاره کرد و ابزارهای منطقه‌ای متعددی به حمایت از پناهجویان زن مربوط می‌شود. در آفریقا، اسناد حقوق بشر منطقه‌ای که مربوط به حمایت از پناهجویان زن است، شامل منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم است. پروتکل آن در مورد حقوق زنان در آفریقا، منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک و پروتکل دریاچه‌های بزرگ در مورد حقوق مالکیت افرادی که به کشور مبدأ بازگشته‌اند، می‌باشد. در قاره آمریکا، اسناد مربوط به حقوق بشر شامل اعلامیه آمریکا در مورد حقوق و وظایف انسان است. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، پروتکل الحاقی آن در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون آمریکایی در مورد ناپدیدشدن اجباری افراد، برای جلوگیری و مجازات شکنجه، در مورد پیشگیری، مجازات و ریشه‌کن کردن خشونت علیه زنان و در مورد حذف همه اشکال تبعیض علیه افراد دارای معلولیت می‌باشند. در آسیا، انجمن آسیای جنوبی برای

همکاری منطقه‌ای با منشور اجتماعی و همچنین کنوانسیون ترتیبات منطقه‌ای برای ارتقای رفاه کودکان در جنوب آسیا موافقت کرده است. اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه آن) در سال ۲۰۱۲ اعلامیه حقوق بشر آسه آن را صادر کرد (Chungong, 2017: 31). در اروپا، اسناد مربوطه شامل کنوانسیون اروپایی برای حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و پروتکل‌های آن، به‌ویژه شماره‌های ۱، ۴، ۷ و ۱۲ است. کنوانسیون اروپایی برای جلوگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز، کنوانسیون حمایت از کودکان در برابر استثمار جنسی و آزار جنسی، کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی و منشور اجتماعی اروپا (بازبینی‌شده). در اتحادیه اروپا، دستورالعمل‌ها و مقررات مختلفی وجود دارد که زیربنای سیستم مشترک پناهندگی و پناهجویی در اروپا هستند. همچنین منشور حقوق و آزادی‌های اساسی را باید مورد توجه قرار داد. در خاورمیانه و شمال آفریقا، اسناد حقوق بشر منطقه‌ای مرتبط با حمایت از پناهجویان زن شامل منشور عرب در مورد حقوق بشر و همچنین اعلامیه رباط سازمان کنفرانس اسلامی درباره مسائل کودکان در کشورهای عضو، میثاق سازمان همکاری اسلامی در مورد حقوق کودک در اسلام و اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام می‌باشند. هریک از این اسناد به طریقی می‌تواند از زنان پناهجو در صورت لزوم حمایت‌هایی را به‌عمل آورد.

نتیجه‌گیری

پناهجو فردی است که به‌دلیل ترس موجه از آزار و اذیت براساس نژاد، عقاید سیاسی، مذهب، ملیت و عضویت در یک جامعه خاص، از کشور خود به کشور دیگر می‌گریزد. در وضعیت حاضر چهارچوب قانونی حمایت حقوق بین‌الملل برای یک پناهجو در قالب کنوانسیون پناهندگی ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ می‌باشند که توسط سایر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای دیگر این حمایت تقویت شده است. بدون این حمایت قانونی، پناهجو با سختی‌ها و استثمارهای زیادی توسط مقامات دولتی و دیگران مواجه می‌شود. در بین پناهجویان، زنان از موقعیت خاص و ویژه‌ای برخوردار هستند و نیازمند حمایت بیشتری در برابر جرم و جنایت و تجاوز می‌باشند. در طول تاریخ جرایم متعددی و از جمله نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، تجاوز جنسی، حاملگی

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷). *حقوق بین‌الملل کیفری*: گزیده مقالات. تهران: نشر میزان.

- اسمعیلی، حسین (۱۳۹۶). «حقوق پناهندگان: منابع، اسناد و چالشی‌های آن». *دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق عمومی عدالت*، ۱(۲): ۲۴-۴۱.

- جوان جعفری، عبدالرضا و دیگران (۱۳۹۱). *رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، مرکز مطالعات اجتماعی و جرم‌شناسی*. تهران: میزان.

- حسینی‌نژاد، حسینقلی (۱۳۹۱). *حقوق کیفری بین‌الملل*. چاپ چهارم، تهران: میزان.

- خاک، روناک (۱۳۸۷). «جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق کیفری بین‌المللی کیفری». *نشریه حقوقی بین‌المللی نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری*، ۳۹: ۱۷-۳۰.

- رحمتیان، علی‌اکبر (۳۹۰). *خشونت علیه زنان*. قم: جباری.

- روناک اسمیت (۱۳۸۸). *قواعد حقوق بین‌المللی بشر*. ترجمه فاطمه کیهانلو، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۷). *حقوق کیفری بین‌المللی*. تهران: جنگل/جاودانه.

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۴۰۲). *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: انتشارات گنج دانش.

- عبادی، شیرین (۱۳۸۴). *حقوق زنان، حقوق بشر*. تهران: نشر روشنگران.

- کاسسه، آنتونیو و همکاران (۱۴۰۱). *حقوق بین‌الملل کیفری*. ترجمه حسین پیران، تهران: فرهنگ نشر نو.

اجباری و قاچاق نسبت به زنان پناهجو ارتکاب یافته و می‌یابد. با درک این مسأله که پناهجویی و درنهایت پناهندگی موضوعاتی در حیطه حقوق بین‌الملل می‌باشند، از نظام حقوق بین‌الملل این انتظار و توقع می‌رود که برای حمایت از زنان پناهجو در قبال جرم و جنایت و تجاوز دارای ساختار منظمی بوده و از زنان پناهجو هم در مرحله قبل از ارتکاب جرم نسبت به آن‌ها و در قالب تدابیر پیشگیری و هم بعد از ارتکاب جرم نسبت به آن‌ها در قالب تعقیب متهمین و رسیدگی به جرایم ارتكابی و اجرای احکام صادره و جبران خسارات وارده به زنان پناهجو، ناشی از جرم، حمایت کند. در این ساختار پناهجویان زن توسط معاهدات و اسناد بین‌المللی مختص به پناهندگان و پناهجویان و همچنین اسناد بین‌المللی قابل استناد در حوزه پناهجویان زن، مورد حمایت قرار می‌گیرند. در کنار اسناد و معاهدات بین‌المللی، معاهدات و اسناد منطقه‌ای مهمی نیز وجود دارد که بر حمایت از زنان پناهجو در قبال جرم و تجاوز دلالت دارند. ساختار تقنینی فعلی با کاستی‌های متعددی روبه روست. در درجه اول شامل تمام زنان پناهجو نمی‌شود و زنان پناهجویی را که کشور خود را به دلیل بحران اقتصادی و یا بحران‌های طبیعی ترک کرده باشند، پوشش نمی‌دهد. همچنین از پناهجویی که به دلیل بحران زیست‌محیطی از کشور خود فرار می‌کند، محافظت نمی‌کند. اکنون نیاز است که رژیم بین‌المللی حمایت از زنان پناهجو، زیر چتر قانون بین‌المللی حمایت از حقوق بشر قرار گیرد تا همه جنبه‌های بشریت را دربر گیرد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: به صورت برابر بوده است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

- Chungong, M (2017). *A guide to international refugee protection and building state asylum systems*. published by the Inter-Parliamentary Union and the United Nations High Commissioner for Refugees

- Chynoweth, S. K (2008). "The Need for Priority Reproductive Health Services for Displaced Iraqi Women and Girls". *Reproductive Health Matters*, 16(31): 93–102.

- Cowburn, M & Myers, S (2016). *Social work with sex offenders: Making a difference*.

- Cristiano d'Orsi (2016). *Asylum-Seeker and Refugee Protection in SubSaharan Africa*. New York: Published by Routledge.

- Danelius, H & Burgers, H (2021). *The United Nations Convention Against Torture: A Handbook on the Convention Against Torture and Other Cruel, Inhuman Or Degrading Treatment Or Punishment*. Netherlands: Brill.

- Dauvergne, C (2016). *The New Politics of Immigration and the End of Settler Societies*. Cambridge: Cambridge University Press.

- De Oliveira Araujo, J; Mattos de Souza, F; Proença, R; Lisboa Bastos, M; Trajman, A; Faerstein, E & Faerstein Rua Sacopã, E (2019). "Prevalence of sexual violence among refugees: a systematic review". *Revista de Saúde Pública*, 53(78): 66-78

- De Schrijver, L; Vander Beken, T; Krahé, B & Keygnaert, I (2018). "Prevalence of Sexual Violence in Migrants, Applicants for International Protection, and Refugees in Europe: A Critical Interpretive Synthesis of the Evidence". *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 15(9): 145-162

- Edwards, A (2011). *Violence against Women and International Human Rights Law*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Eurostat (2016). *Asylum in the EU Member States. Record number of over 1.2 million first time asylum seekers registered in 2015*. Retrieved from <https://ec.europa.eu/eurostat/documents/2995521>

- کریانگساک، کیتیچاسیاری (۱۳۹۶). *حقوق بین‌المللی کیفری*. ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).

- کیهانلو، فاطمه (۱۳۹۰). *پناهندگی، نظریه‌ها و رویه‌ها*. تهران: انتشارات جنگل.

- موسوی، سیده‌مریم (۱۳۹۷). «جنایات علیه بشریت در نسل‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری با تأکید بر دادگاه یوگسلاوی سابق». *قانون یار*، ۸: ۱۰۴-۱۱۹.

- موسوی‌زاده، رضا (۱۴۰۱). *بایسته‌های حقوق بین‌الملل کیفری*. تهران: میزان.

- مهرپرور، حسین (۱۳۷۴). *حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران*. تهران: اطلاعات.

- ورله، گرهارد (۱۳۸۷). «جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر». ترجمه امیر ساعد وکیل، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۹: ۳۹-۵۵.

ب. منابع انگلیسی

- Asylum Seeker Resource Centre (2021). *Seeking Asymly, Our Stories*. : United Kingdom Schwartz Books Pty Limited

- Benson, L.B & Mary, C (2018). *Protecting Migrant Children: In Search of Best Practice*. United Kingdom: Edward Elgar Publishing Limited.

- Betts, A; Bloom, L; Kaplan, J & Naohiko, J (2016). *The history of refugees and development*. Oxford: Oxford Academic Books.

- Betts, A & Collier, P (2017). *Transforming a Broken Refugee System*. London: Penguin Random House.

- Carastathis, A & Tsilimpounidi, M (2020). *Reproducing Refugees: Photographia of a Crisis*. United Kingdom: Rowman & Littlefield.

- Cho, S; Crenshaw, K. W & McCall, L (2013). "Toward a field of intersectionality studies: Theory, applications, and praxis". *Journal of Women in Culture and Society*, 38(4): 785–810.

Child: Taking Stock After 25 Years and Looking Ahead. Netherlands: Brill.

- The Migration Team (2023). *The Migration Conference 2023 Book of Abstracts*. London: Transnational Press.

- UN Women (2019). *Facts and figures: Ending violence against women*. Retrieved January 17, 2020, from <https://www.unwomen.org/en/what-we-do/ending-violence-against-women/facts-and-figures>.

- Vila-Freyer, A & Sirkeci, I (2023). *Global Atlas of Refugees and Asylum Seekers*. London: Transnational Press.

- Watters, C (2007). *Refugee Children: Towards the Next Horizon*. United Kingdom: Taylor & Francis.

- Whelan, A (2023). *Reciprocity in Public International Law*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Whittaker, D (2006). *Asylum Seekers and Refugees in the Contemporary World*. United Kingdom: Taylor & Francis

- Zimmermann, A; Franziska, M & Terje Einarsen, H (2023). *The 1951 Convention Relating to the Status of Refugees and Its 1967 Protocol 2e*. (2023). United Kingdom: OUP Oxford.

/7203832/3-04032016-AP-EN.pdf/790eba01-381c-4163-bcd2-a54959b99ed6

- Gilad, L (1990). *The Northern Route: An Ethnography of Refugee Experiences*. Newfoundland: Institute of Social and Economic Research, Memorial University of Newfoundland.

- Gregori, N (2023). *Asylum Report 2023, Annual Report on the Situation of Asylum in the European Union, Centre of Migration Research*. University of Warsaw and SGH Warsaw School of Economics.

- Hathaway, J (1991). *The Law of Refugee Status*. London:

- Jaeger, G (2001). "On the History of the international protection of refugees". *RICR*, 843:

- Kneebone, S (2019). *Refugees, Asylum Seekers and the Rule of Law: Comparative Perspectives*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Krstić, I; Evola, M & Ribes Moreno, M (2023). *Legal Issues of International Law from a Gender Perspective*. Germany: Springer International Publishing.

- McCarthy, J (1995). *Death and Exile: The Ethnic Cleansing of Ottoman Muslims*. London: Darwin Press.

- Micinski, N. R (2021). *UN Global Compacts: Governing Migrants and Refugees*. United Kingdom: Taylor & Francis.

- OECD (2023). *International Migration Outlook*. France: OECD Publishing.

- Rawlings-Sanaei, F & Kneebone, S (2007). *New Regionalism and Asylum Seekers: Challenges Ahead*. United Kingdom: Berghahn Books.

- Sexual Violence Resource Center (2019). *Sexual Violence & Transgender/Non-Binary Communities*.

- Slomanson, W (2011). *Fundamental Perspectives on International Law*. Boston: Wadsworth.

- Sloth-Nielsen, J & Liefwaard, T (2016). *The United Nations Convention on the Rights of the*